

## شناخت درست جهان هستی بدون انسان شناسی امکان پذیر نیست

### انسان شناسی مقدمه شناخت جهان هستی است

وقتی پا به عرصه هستی گذاشتیم، با جهانی مواجه شدیم که ما را احاطه کرده بود. جهانی بسیار بزرگتر از رحم مادر و با قابلیت‌هایی بی‌نهایت بیشتر از آن. جهانی که برای ما آماده شده و ما به واسطه تعریفی که از انسان بودن داریم، میزان بهره‌مندی خود از این جهان را مشخص می‌کنیم.

دنیای کودکی ما پر از خواسته‌ها و آرزوهایی بود، که اختیار انجامشان را نداشتیم. کارهای کوچکی مثل فشار دادن تمام دکمه‌های یک کامپیوتر یا یک جا خوردن تمام شکلات‌های داخل جعبه. آرزوهای کوچکی که کنترل و نگاه پدر و مادر مانع از انجامشان می‌شد و جرعه آرزوی بزرگتری را در ذهن مان روشن می‌کرد؛ این که زودتر بزرگ شویم، تا بتوانیم هرکاری که دوست داریم انجام دهیم. غافل از این که در دنیای بزرگسالی هم مانند دوران کودکی اجازه انجام خیلی از کارها را نداریم. با این تفاوت که در دوران کودکی این دیگران بودند که محدودیت‌ها را برای مان تعیین می‌کردند، اما اکنون این ما هستیم که محدودیت‌ها را برای خودمان اعمال می‌کنیم.

این اتفاق به دلیل عدم شناخت درست از خود و نگاه ناقصی است، که به خود و توانمندی‌هایمان داریم.

### ارتباط انسان با جهان هستی

خداوند کل جهان هستی را برای وجود انسان خلق کرده<sup>1</sup>، تا از آن استفاده کند، لذت ببرد، نیازهایش را برطرف کند، رشد کند و به غایت زندگی خود، یعنی شبیه خدا شدن، برسد. اما تعریف ما از انسان بودن با تعریف خدا متفاوت است، در نتیجه سطح بهره‌مندی ما از این جهان بسیار کمتر از چیزی است که خدا برایمان تدارک دیده است.

تصور کنید قصد دارید از یک سیستم کامپیوتری استفاده کنید و دقیقاً در هنگام ورود به سیستم، با پیغام «عدم دسترسی!» مواجه می‌شوید؛ ما در حال رقم زدن این اتفاق در زندگی واقعی خود هستیم. دسترسی از قبل به ما داده شده و ما امکان بهره‌مندی از تمام مواهب این جهان را داریم، اما به دلیل شناخت و باور اشتباهی که از خود داشته‌ایم، اصلاً تلاشی برای برخورداری از موهبت‌ها و نعمت‌های هستی نکرده‌ایم. رفتار ما مانند مدیرعامل یک شرکت بزرگ است، که دایرهٔ اختیارات، امکانات و بهره‌مندی‌های خود را در حد یک کارمند جزء تعریف کرده و تلاش‌های اطرافیان برای مطلع کردنش از وضع موجود را با بی‌اعتنایی رد کرده است.

پی بردن به این موضوع می‌تواند، بسیار ناراحت‌کننده باشد. خصوصاً اگر سال‌های زیادی از عمرمان را به همین منوال گذرانده باشیم. و غم‌انگیزتر وقتی است که بدانیم، نعمت‌ها و امکانات در دسترس ما دقیقاً پاسخگوی نیازها و آرزوهایی بوده‌اند که یک عمر در چمدان خیال خود این طرف و آن طرف می‌بردیم.

### درک ما از هستی در گرو نوع نگاه ماست

نوع نگاه ما به خودمان نه تنها سمت و سوی زندگی و سقف آرزوهایمان را مشخص می‌کند بلکه؛ نوع رابطهٔ ما با پدیده‌های جهان هم از نوع نگاه ما به خودمان ناشی می‌شود. تأثیری که بر جهان هستی می‌گذاریم و خدمتی که به هم‌نوعانمان می‌کنیم،

---

آیه 29 سوره بقره. 1

همه و همه زیر چتر همین نوع نگاهند. نوع نگاه ما به خود و هستی و در واقع جهان‌بینی ما منشأ تمام رفتارهای ماست. به طور کلی می‌توان گفت، جهان‌بینی غالب در هر جامعه‌ای رفتار افراد را در آن جامعه مشخص می‌کند.

اگر با عصر درخشش تمدن اسلامی<sup>۲</sup> آشنا باشید، حتماً برای شما هم عجیب بوده که چه طور ممکن است، در دوره‌ای از تاریخ انسان‌ها به این حد از بلوغ فکری و خلاقیت رسیده باشند.<sup>۳</sup> چرا عصر ما شاهد ظهور نوابی مانند خوارزمی، بیرونی و رازی یا شیخ بهایی نیست؟ این نوابی چگونه به دنیا می‌نگریستند که آثارشان در جهان بی‌رقیب است؟

در واقع نقطه مشترک همه این اتفاقات نوع جهان‌بینی و باور این افراد بوده است، باور به این حقیقت که خدا تمام این جهان را برای انسان خلق کرده<sup>۴</sup> و خداوند چیزی را بیهوده نمی‌آفریند.<sup>۵</sup> اگر با این بینش به جهان نگاه کنیم با هیچ‌یک از اشیاء و پدیده‌ها بیگانه نیستیم و رابطه وجودی مان را با همه جهان درک خواهیم کرد و ناخودآگاه به دنبال کشف این رابطه‌ها خواهیم رفت. وظیفه اصلی علم نیز در واقع کشف این نسبت‌ها، یا قوانین و ریاضیات حاکم بر خلقت است. چنین نگاهی به طبیعت و جهان هستی می‌تواند، منجر به پیشرفت‌های سریع علمی شود.

### انسان بودن خود را باور کنیم

ما به عنوان عضوی از این جهان دو انتخاب پیش رو داریم. یا به زندگی معمولی خود ادامه دهیم و خود را مانند سایر موجودات بخشی از این دنیا فرض کنیم، نیازها، لذت‌ها و آرزوهایمان را در حد خواسته‌ها و نیازهای حیوانات، گیاهان و جمادات پایین بیاوریم و در پایان خواسته یا ناخواسته، با مرگ رو به رو شویم.

و یا اینکه انسان بودن خود را باور کنیم. باور کنیم که جهان هستی با همه شگفتی‌هایش برای ما و به محوریت من حقیقی وجود ما خلق شده و در تناسب کامل با ساختار وجودی ماست. پدیده‌های این دنیا بیهوده و تصادفی در مقابل ما قرار نگرفته‌اند

۲. کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران

۳. <https://historylib.com/articles/823/>

۴. آیه ۲۹ سوره بقره.

۵. آیه ۲۷ سوره ص.

و در مسیر تبدیل شدن ما، به آنچه خدا برای وجودمان در نظر گرفته است، عمل می‌کنند. زندگی در چنین دنیایی قطعاً لذت‌بخش‌تر خواهد بود.

اما اگر چنین است؛ دریای مواج، کوه‌های عظیم و سر به فلک کشیده، شن‌های ریز و درشت ساحل، آسمان پرستاره شب و لطافت بال پرنده، قرار است کدام بخش وجود ما را پرورش دهند؟ کدام میل درونی‌مان را پاسخ دهند؟ یادآور کدام اسم خدا برای خود حقیقی‌مان هستند؟ و در نهایت، مسیر شبیه شدن ساختار وجود من به خدا، چگونه از دل این پدیده‌ها می‌گذرد؟ در این رابطه در مقالات بعدی بیشتر توضیح خواهیم داد.